



کتاب الفقه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیست یکم - ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۹

آیة ۲۴:



مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ

كَأَنَّهُ غُلَامٌ (۲۴)

* و او در آن دریا (؟؟؟) سفینه‌های بادبان‌دار بلند مثل کوه دارد. *

آن «جوار» و آن «دریا» کجاست؟ یا چیست؟ یا کیست؟

« جوار » در قرآن:

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (الرحمن/۲۴)

* و برای اوست در آن دریا سفینه‌های بادبان‌دار مثل کوه‌ها و پرچم‌ها *

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (شوری/۳۲)

و از نشانه‌های او سفینه‌های کوه‌آسا در دریاست

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (تکویر/۱۶)

پس نه، سوگند به اختران گردان * (کز دیده) نهان شوند و از نو آیند.

معلوم نیست چرا «جَوَار» (جریان، حرکت) را به «کِشْتی» ترجمه کرده‌اند.

امام باقر صلوات الله علیه فرمودند:

خَنَسٌ، در آیه: « فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَسِ * **الْجَوَارِ الْكُنَسِ** »

امامی است که در سال دویست و شصت از دیده‌ها پنهان می‌شود
و مردم از علم او بهره نمی‌برند و در آخر الزمان می‌آید
و او مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این عترت طاهره است
که مثل شهابی درخشان، در تاریکی شب نمایان می‌شود
او حیرت و غیبتی دارد که برخی با آن گمراه و برخی هدایت شوند.

تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۴۰۸ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۱ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۴ / الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱ و الغیبة للنعمانی،

ج ۱۰، ص ۱۵۰ و نور الثقلین؛ فیهم: «واقده» بدل «وقاده» / البرهان / الغیبة للطوسی، ص ۱۵۹ / الغیبة للنعمانی، ج ۱۰، ص ۱۴۹

« منشآت » چیست؟

با آن حدیث و کلمات: « جوار، البحر، أعلام »،
و اینکه خداوند « منشآت » را « مالِ خود » نامیده،

ترجمه « بادبانِ بلند »،

برای « **مُنشآت** »، مناسب به نظر نمی‌رسد.

(زیرا امروز دیگر کشتی‌های بادبانی، کاربرد چندانی ندارند.)

« نشئه » در قرآن:

« **إِنْ نَاشِئَةُ اللَّيْلِ** ... » (مزمل/۶)

« بیداری صادقانه، مخلصانه و عاشقانه در دل تاریکی »

و مبرا از هر « غفلت، جهالت، سوء ظن و کدورت. »

« آخرت »، ظهور و امتدادِ « **نَشْئُهُ** اولی » است.

(یعنی: برای آخرت، « تکوین و خلق و ایجاد » رخ نمی‌دهد.)

« ترجمه » پیشنهادی:

شاید این ترجمه ایرادش کمتر باشد:

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ

كَأَنَّ غُلَامٍ (۲۴)

آن « منشآت = و انسانهای کاملی » که مانند « سفینه نجات »
در^{۱۵} « دریا » (ی هستی برای نجات مردم جاری اند، مال اوست.

آیة ۲۵:



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس^{۱۷} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

فرقِ « آلاءِ » با « نعمتِ »

چیست؟

خداوند در «قرآن»،

برخی از مصادیقِ «نعمتها» را

نام برده است:

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
الْعَذَابِ وَ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (ابراهيم/٦)

وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
فَأَوَّاكُمْ وَأَعْيَدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال/٢٦)

.... **اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً **فَأَلَّفَ** بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ **فَأَنْقَذَكُمْ** مِنْهَا ... (آل عمران/١٠٣)

.... **اذْكُرُوا نِعْمَتِي** الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره/١٢٢)

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ^{٢٣١} وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ ... (بقره/٢٣١)

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ^{١١} إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ ... (مائده/١١)

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ^{٢٠} إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا ... (مائده/٢٠)

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ^٩ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا ... (احزاب/٩)

اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ^٣ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ ... (فاطر/٣)

اما در هیچ یک از « منابع اسلامی »،
هیچ نامی از « **آلاء الهی** » برده نشده،
پس شاید « **مواردِ تکذیب** » شده،
همان مصادیق « **آلاء** » باشند:

موارد « تکذیب » شده:

۱- وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ

فَقَدْ كَذَّبْتَ قَبْلَهُمْ:

۲- قَوْمُ نُوحٍ

۳- وَ عَادُ

۴- وَ ثَمُودُ (۴۲)

۵- وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ

۶- وَ قَوْمُ لُوطِ (۴۳)

۷- وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ

۸- وَ كَذَّبَ مُوسَى

فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ ... (حج/۴۴)

پس کفار را مهلت دادم، پس (گریبان) آنها را گرفتم (بنگر) عذابم چگونه است؟

كَذَّبُوا:

- ١- الْمُرْسَلِينَ
- ٢- بِآيَاتِنَا
- ٣- بِالْحُسْنَى
- ٤- بِالْـدِّينِ
- ٥- بِالْحَقِّ
- ٦- جَاءَهُمْ نَصْرُنَا

كَذَّبُوا:

- ٧- بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ
- ٨- بِأَنْكِتَابٍ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا
- ٩- بِالسَّاعَةِ
- ١٠- يَوْمِ الدِّينِ
- ١١- بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
- ١٢- بِلِقَاءِ اللَّهِ

آیة ۲۶:



كُلُّ مَن عَلَيَّهَا

فَانِ (۲۶)

* هر چه « علیه » اوست « فانی » است *

نظر مترجمین دربارهٔ «ها» در «علیها»:

تمام مترجمین، بدون هیچ قرینه‌ای، «**ها**» را «**زمین**» گرفته‌اند:

همهٔ آنان که روی این زمین هستند، فانی می‌شوند.

هر که بر روی آن (زمین) است، نیست شدنی است.

همه کسانی که روی آن (زمین) هستند، فناپذیرند.

هر کس بر آن است نابود شود.

هر³⁰ که بر روی این (زمین) است (از انس و جن) محکوم به فناست.

مرجع « ها » چیست؟

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴) وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶) رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸) مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵) **كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ** (۲۶)

ظاهراً مرجعِ «**ها**» زمین نیست و «**منشآت**» است.

پس هر جن و انسی که «**علیه** و **ضدِّ**» آن «**منشآت**»

و آن «**أعلام**» باشد و با آنان «**زنده** و **هدایت**» نشود،

قطعاً «**فانی**» است و «**نابود**» می شود. **چرا؟**

چون فقط آنان سفینه و کشتی نجات هستند:

الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ،

فِي اللَّجَجِ الْغَامِرَةِ،

يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا.

(آنان) کشتی جاری در اقیانوسهای بیکران هستند، ایمن شود
هر که همراه آنان باشد و غرق و نابود شود هر که آنان را واگذارد.

در واقع هر فردی که

« **علیه** انسان کامل » عمل کند

بر « **ضدِ** خودش » عمل کرده

و خودش را « **نابود** » کرده است.

آیة ۲۷:



كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

وَيَتَّقِي وَجْهَ رَبِّكِ

ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

هر چه « علیه » اوست « فانی » است *

و^{۳۶} فقط ذات باشکوه و ارجمند خدای تو باقیست *

وقتی « منیت، نفسانیت، جهالت و شرک » فانی شود،

جز « وجه الهی » و « نور » چیزی باقی نمی ماند،

و انسان « تسلیم امر رب » العالمین خواهد بود

و نورانی و « وجیه » خواهد شد:

وَيَتَّقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

پس وقتی تمامِ «**تاریکی**»،

از بین برود و فقط «**نور**» بماند،

این «**نور**» در همه چیز «**تجلی**» می‌یابد،

و حتی زمین هم «**منوّر**» به «**نور رب**» می‌شود.

³⁸نوری که «**جلال و عظمت و کرامت**» دارد:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (٦٨)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا

وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (٦٩)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (زمر/٧٠)

یکی « نکته » :

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٢٧)

« ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ »

« صِفَتِ وَجْهِ » است،

زیرا اگر « صِفَتِ رَبِّ » بود باید می فرمود:

« ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ »

آیة ۲۸:



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس^{۴۳} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

یعنی: ای جن و انس،

چرا اینهمه «عظمت و إقتدار الهی» را

به خودتان «**یادآوری**» نمی‌کنید

تا از «**تکبر**» رها و «**تسلیم**» حق^۳ شوید؟

آیة ۲۹:



يَسْأَلُهُ

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (٢٩)

هر که در آسمانها و زمین است از او تقاضا می کند

(لذا) او هر زمان در کاری است.

هیچ انسان و هیچ مخلوقی، از خودش چیزی ندارد،
و آنچه دارد « عاریه، امانت، محدود و موقتی » است.

و « غالب مردم »، مانند « **حباب** »،

برای « **بزرگتر** » شدنشان،

دائما « **تقاضا** » می کنند و « **سیر شدنی** » هم نیستند.

در حالی که این « **حرص** » اصلاً برایشان « **خوب** » نیست،

زیرا آنها را « **سنگین** » و « **کُند** » می‌کند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

ما لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ **انْأَقَلْتُمْ** إِلَى الْأَرْضِ

أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ؟ (توبه/۳۸) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ **لَكَنُودٌ** (عادیات/۶)

ای اهل ایمان؛ شما را چه شده که وقتی شما را به بسیج در راه خدا فرا می‌خوانند سنگین‌اید؟

آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دلخوش شده‌اید؟ انسان به خدایش توجه و شوقی ندارد.

« خواسته بیشتر »، « داشتن بیشتر »، نشانه « **حماقت** » است،
زیرا عاملِ « **ثقل** » و مانعِ « **شوق** لقاء و **عروج** و پرواز » است،
لذا خداوند دیگر به آنها « **جن و انس** » نمی گوید!
بلکه آنها را در دو آیه بعد، « **أَيُّهَا الثَّقَلَانِ** » می خواند.
دو مخلوقِ « سنگین » که « لطافتی » برای « عروج » ندارند.
پس⁴⁹ لازمه پرواز و تعالی، « **بی تعلقی** » و « **سبکباری** » است.

اما « **مؤمنینی** » که « **إِنَّ مَعِيَ رَبِّي** و **إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا** » را باور دارند

و می‌دانند « او » همیشه و در هر شرائطی، « با آنان » است،

فقط « **او خواه** » هستند و می‌گویند: « **حَسْبُنَا اللَّهُ** ».

و « **دعا** » ی آنان فقط برای « **وساطت** » و « **إنفاق** » است،

آنان دنبالِ « **تَمَلُّکِ** خیالی » و « چیز خواه » نیستند، زیرا می‌دانند

وقتی⁵⁰ « **حباب** » تعلقات بترکد « **خاسر** و **حسرت** » زده می‌شوند.

آیة ۳۰:



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس^{۵۲} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

یعنی: ای جن و انس،

چرا « تفکر و تعقل و تدبیر » نمی‌کنید

و با بصیرت و معرفت، « **ذاکر** » نمی‌شوید

تا « **تکاثر** » را رها کنید و « **کوثر** » شوید؟

❁ أَنهَآكُمُ التَّكَاثُرُ ❁

❁ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ❁

« کثرت طلبی این شهر بازی دنیا »، شما را به « بازی » گرفته
و « پُر خواهش » کرده و تا به « گور » نرساندتان رهایتان نمی‌کند.

میلاد با سعادت چهارمین پیامبر اولوالعزم الهی

(علیه السلام)

حضرت عیسیٰ ابن مریم

بر مسلمانان و پیروان راستین آن حضرت

کرامت باد



خدایا؛

ما را با « **نورِ قرآن و اولیاءِ** » خودت،

« **منوّر** » فرما

و از هر نوع **تکذیب و تکاثری** حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیمان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

